



پیام باستان‌شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۸۸۶

دوره ۱۵، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲



بازنگری نهشته‌های پسااورارتویی دژ بسطام

منصور حمدالله‌زاده^۱، مهرداد ملک‌زاده^۲، مریم دارا^۳

DOI: 10.30495/peb.2023.704079

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲

چکیده

پژوهش درباره تمدن اورارتو از اوایل قرن نوزدهم میلادی و با اعزام شولتز از سوی انجمن آسیایی به اطراف دریاچه وان صورت جدی به خود گرفت. نتیجه کشفیات شولتز و مطالعات دیگر موجب شد تا اورارتو از زیر قرن‌ها خاموشی سربلند کند. رمزگشایی از خطوط میخی توسط پژوهشگران سایر حوزه‌ها به خواندن کتیبه‌های اورارتویی کمک نمود. پژوهش‌های اورارتویی در شمال غربی ایران، با کشف کتیبه‌ای مربوط به روسای دوم (۶۴۶-۶۸۰ پ.م) در نزدیکی روستای بسطام واقع در شمال دریاچه اورمیه، توجه جامعه پژوهشگران اورارتو را متوجه ایران کرد. کاوش‌های باستان‌شناسی توسط ولفرام کلایس از سال ۱۹۶۷ شروع گردید و تا ۱۹۷۸ ادامه داشت. مطالعه روی نهشته‌های پسااورارتویی در محوطه بسطام و همچنین، سنجش آن با نهشته‌های سایر محوطه‌های اورارتویی از جمله شرق آناتولی نشان می‌دهد که فروپاشی اورارتو تقریباً از زمان سقوط آشور توسط ماد و بابل و حتی قبل از آن شروع شده بود و سرزمین‌های اورارتویی در شمال غربی فلات ایران در آن زمان توسط مادها اشغال شده بودند. میزان تأثیر نهشته‌های پسااورارتویی یافت شده در محوطه‌های مورد کاوش از اهداف این پژوهش است. برای این پژوهش، از روش تاریخی، تحلیلی و توصیفی استفاده شده و شیوه گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای بوده است. در نهایت، بنا به بررسی نهشته‌های پسااورارتویی و تحلیل تاریخی، نتیجه گرفته شد که فروپاشی اورارتو از حدود ۶۳۵ پ.م شروع شده و بر طبق آثار فرهنگی و معماری یافت شده از بسطام و نیز سنجش آن با محوطه‌های دیگر در شرق آناتولی، سرزمین‌های شرقی اورارتو از این زمان در اشغال مادها و اقوام ایرانی بوده است.

واژگان کلیدی: اورارتو، ماد، نهشته‌های پسااورارتویی، بسطام، فروپاشی اورارتو.

* **استاد:** حمدالله‌زاده، منصور، ملک‌زاده، مهرداد، دارا، مریم (۱۴۰۲). بازنگری نهشته‌های پسااورارتویی دژ بسطام. *پیام باستان‌شناس*، ۱۵ (۲۸)،

۸۵-۱۰۰.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

^۲ استادیار، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: malekzadeh.mehrdad@gmail.com

^۳ استادیار، پژوهشکده زبان‌شناسی، متون و کتیبه‌ها، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

مقدمه

متعلق به قلعه بسطام توسط ژنرال کایستر،^۵ وابسته نظامی امپراتوری آلمان در ایران در مهر ماه سال ۱۲۸۹ خورشیدی که قبلاً از محل بسطام به ماکو منتقل شده بود، و معرفی این سنگ‌نوشته،^۶ موجب توجه ویژه اورارتو شناسان به شمال غربی ایران و به خصوص بسطام گردید. این سنگ‌نوشته از سال ۱۳۴۴ خورشیدی به موزه ایران باستان منتقل گردیده است و هم‌اکنون نیز همان جا نگهداری می‌شود. هر چند محل کشف این سنگ‌نوشته را سایش به اشتباه واقع در ۱۰ مایلی (حدود ۱۶ کیلومتری) جنوب غربی ماکو ذکر می‌کند اما به لحاظ شناسایی قبلی سنگ‌نوشته و بکارگیری آن در سازه پل روی رودخانه آق‌چای^۷ نزدیک روستای کسین^۸ که ضمن این سنگ‌نوشته، بلکه تمام سنگ‌های بکار رفته در ساخت این پل از سنگ‌های قلعه بسطام که در ۳ کیلومتری این پل قرار دارد استفاده شده است، انتقال و بعد از آنجا نیز به دستور فرماندار وقت ماکو، به خانه وی منتقل می‌شود بنابراین محل کشف سنگ‌نوشته در حدود ۶۰ مایلی (۱۰۰ کیلومتری) جنوب شرقی شهر ماکو می‌باشد. در این پژوهش سعی بر آن شده تا با دقت در بررسی نهشته‌های پسااورارتویی بسطام، و سنجش آن با نهشته‌های پسااورارتویی تعدادی از محوطه‌های مربوطه اورارتو و همینطور با مقایسه آن با آثار مادی کاوش شده از محوطه‌های مادی، وضعیت استقرار اقوام بلافصل بعد از اورارتو در این مناطق را مورد بررسی قرار دهیم.

محوطه باستانی بسطام در قرن هفتم پ.م یکی از بزرگترین دژهای اورارتویی را در خود جای داده بود که اکنون به عنوان بزرگترین محوطه باستان‌شناسی اورارتویی در جغرافیای سیاسی ایران امروز در شهرستان قره‌ضیاءالدین^۹

از منابع مهم و بی‌بدیل مطالعات تاریخ ایران باستان، آثار و بقایا و نهشته‌های باقی مانده از آن دوران است. مطالعه و بررسی دقیق‌تر و مجدد و با رویکرد مشخصی که تا به حال جای خالی آن در پژوهش‌های مربوطه مشاهده می‌گردیده، همواره در نبود مستندات مستقیم مربوط به دوره‌ای مانند مادها،^۱ از اهمیت وافر و برخوردار می‌باشد. شمال غربی ایران از نظر تاریخی مربوط به سده‌های ابتدایی هزاره اول پ.م نکات ارزشمندی را دارد که نه تنها می‌تواند وضعیت سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی، تمدنی همچون اورارتو^۲ را بیشتر روشن نماید، بلکه کمک کم‌نظیری در روشن شدن زوایای تمدن‌های هم‌عصر خود مخصوصاً مادها بنماید. نام اورارتو همچنانکه اطلاع داریم از قرن سیزدهم پ.م در کتیبه‌های آشور^۳ به میان آمد و تقریباً سه سده گذشت تا بتواند تشکیل حکومت و دولتی آبادگر و متخصص در امر کشاورزی و آب و آبیاری و نیز شبکه‌های آبرسانی، نماید. طولی نکشید برای تامین امنیت و رسیدگی به امورات خود در مناطق مختلف از جمله کشاورزی، اقدام به تاسیس قلعه‌های مختلف نمود و این قلعه‌ها با در نظر گرفتن موقعیت در منطقه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. بسطام^۴ امروزی، میزبان یکی از مهمترین قلعه‌های اورارتو در شرق آن حکومت بوده و اساساً وظیفه حفظ و حراست از مرزهای شرقی و نظارت بر امورات مربوطه منطقه را بر عهده داشته است. بررسی نهشته‌های زمان سقوط و بعد از سقوط این قلعه و تطبیق آن با رویدادهای تاریخی، روزنه‌ای برای روشن‌تر کردن تاریخ منطقه باز می‌کند که در این پژوهش به دنبال آن هستیم. شناسایی سنگ‌کتیبه‌دار

^۶ Sayce; 1912^۷ Aq-Chay^۸ Kesian^۹ Qarahziyaaddin^۱ Media^۲ Urartu^۳ Assyria^۴ Bastam^۵ Kanitz

اواخر دهه آغازین قرن ششم پ.م و یا سقوط این حکومت در بستر تدریجی حدوداً پنجاه ساله از حدود ۶۴۰ پ.م می‌کند. ارتباط میزان و کیفیت اطلاعات ما از نیمه دوم قرن هفتم پ.م در این سرزمین، با درک هر چه بهتر اوضاع مردمان آن دوره و حتی تحولات سیاسی، نظامی و فرهنگی، سقوط آشور و برآمدن مادها، یک ارتباط مستقیم شمرده می‌شود و این پژوهش سعی دارد، قسمتی از این مهم را با بررسی آثار پسااورارتویی بسطام، در معرض قضاوت قرار دهد. به نظر می‌رسد، منطقه شرقی اورارتو در حدود پنجاه سال قبل‌تر از ۵۹۰ پ.م از کنترل حکومت مرکزی اورارتو خارج شده است و شواهدی از وجود فرهنگ مادی در اسکان و اشغال این محوطه و نیز کل منطقه شرقی آرات و شمال آذربایجان غربی وجود دارد. در این مقاله، جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای بوده و پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی انجام شده است.

پیشینه تحقیق و نوآوری

در زمینه اورارتو پژوهش‌های متعددی انجام گرفته، مطالعات پژوهشگران در سابقه این تحقیق، زوایای مختلفی را در تاریخ اورارتو می‌گشاید، با تمرکز بر بسطام، مقاله میریو سالوینی تحت عنوان الواح گلی اورارتو (صفحات ۱۱۵-۱۳۲) در مجموعه مقالاتی که توسط ولفرام کلایس^{۱۱} تحت عنوان بسطام یک در مجموعه‌های اورارتویی ۱۹۷۲-۱۹۷۵ در سال ۱۹۷۹ میلادی توسط انتشارات اشتورز^{۱۲} در آلمان چاپ گردیده است که این اثر در سال ۱۳۸۹ در دو جلد توسط پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و ترجمه آقای فرامرز نجد سمیعی به چاپ رسیده، و مقاله اشتقان کرول^{۱۳} با نام یادداشت‌هایی در افق پسااورارتویی (ماد) شمال غربی ایران و ارمنستان صفحات ۲۰۳-۲۱۰ که در سال ۲۰۱۴ در مجموعه مقالاتی که در

قرار گرفته است. بررسی دقیق نهشته‌های مربوط به اواخر قرن مذکور و پسااورارتویی در این محوطه بزرگ، برای درک اوضاع فاصله زمانی بین سقوط اورارتو و برآمدن هخامنشیان^{۱۴} می‌تواند بسیار موثر و کارآمد باشد. عموم جوامع علمی بر این نظر هستند که اورارتو به سال ۵۹۰ پ.م به توسط مادها قبل از لشکرکشی به لیدیه، سقوط کرده و مطالعات اورارتویی نیز بر این نکته کم و بیش تأکید داشته است (Diakonoff, 1951: 29). اما برخی یافته‌ها (که در این پژوهش به آن‌ها اشاره شده است) این نظر را مورد تأیید قرار نداده، بلکه مورد تشکیک قرار می‌دهد که اورارتو به صورت عام، به یک باره در ۵۹۰ پ.م سقوط نکرده است، بلکه سقوط اورارتو طی مدت زمانی از حدود ۵۰ سال قبل‌تر از این تاریخ شروع شده بوده است. از طرفی، بسطام مهمترین و بزرگترین پایگاه نظامی در شرق اورارتو بوده و سقوط آن خود به تنهایی برای اورارتو به لحاظ موقعیت جغرافیایی و همچنین، منابع طبیعی مخصوصاً کشاورزی که محور اقتصاد اورارتو محسوب می‌گردیده بسیار شکننده و به مفهوم از دست دادن سرزمین‌های حاصلخیز شرقی است. سقوط دژ بسطام، استقرار اقوام غیر اورارتویی تأثیرگذار و اشغالگر را در منطقه تأیید می‌کند. بنابراین، بازنگری نهشته‌های پسااورارتویی بسطام برای محققین این حوزه می‌تواند از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. نتایج یافته‌های باستان‌شناسی در سایر محوطه‌های اورارتویی می‌تواند درباره چگونگی و زمان سقوط اورارتو افق جدیدی در مطالعات بگشاید.

موشکافی بیشتر و بررسی مجدد نتایج به دست آمده از آخرین کاوش‌های مهم و گسترده بسطام، در این پژوهش، به همراه سنجش اجمالی با برخی محوطه‌های پسااورارتویی و همچنین ماد، با تأکید بر دیدگاه تاریخی، کمک شایانی برای درک بهتر چگونگی سقوط اورارتو، به یک باره و در

^{۱۲} Stürtz

^{۱۳} Stephan Kroll

^{۱۴} Achaemenid

^{۱۱} Wolfram Kleiss

لحاظ وجود کوه‌های صخره‌ای توروس^{۲۰} جنوبی واقع در شمال بین‌النهرین و سرزمین‌های حکومت آشور و جنوب آناتولی شرقی، که سدی طبیعی برای اورارتو در مقابل حمله آشور از جنوب و غرب بوده است، ایجاد می‌کرد به عبارت دیگر دست‌یابی دشمن اورارتو از جنوب تقریباً ناممکن بوده است و تنها مسیر لشکرکشی آشور به اورارتو منطقه شرق و دامنه‌های شمال شرقی زاگرس بوده است به نظر لازم بوده که در منطقه قلعه‌ای محکم ساخته شود. این قلعه و استحکامات نظامی آن توسط روسای دوم (۶۴۶-۶۸۰ پ.م) پسر آرگیشتی دوم^{۲۱} در حوالی اواسط قرن هفتم پ.م با اهداف و ماموریت‌های نظامی ساخته شد. البته توجه گردد همچنانکه قبلاً اشاره شد سابقه سکونت در این محوطه به سالیانی دورتر می‌رسد اما استحکامات نظامی و قلعه به نظر می‌رسد که در تاریخ فوق مخصوصاً مستندی که طی سنگ‌نوشته در دست داریم اشاره به ساخت قلعه و دژ در قرن هفتم پ.م دارد.

۱- تاریخچه کاوش در قلعه بسطام

توجه باستان‌شناسان به مناطق اورارتویی ایران همچنانکه در فوق اشاره رفت در نهایت منجر به یافتن و کاوش محوطه اورارتویی بسطام توسط ولفرام کلایس در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) و ۱۳۴۷، در بسطام انجامید. این کاوش‌ها تا سال ۱۳۵۷ به غیر از سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۵ تداوم پیدا کرده و بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، این کاوش‌ها متوقف می‌گردد. تمامی این کاوش‌های مذکور تحت مدیریت ولفرام کلایس آلمانی و با حمایت مالی بنیاد تحقیقاتی آلمان^{۲۲} انجام گرفته است.

گرامیداشت ولی سوین^{۱۴} تحت عنوان یک عمر در باستان‌شناسی توسط اکسیجن باسیم^{۱۵} و ماتباچیلیک سان^{۱۶} در استانبول ترکیه به چاپ رسیده و همینطور مجموعه پژوهشی که در قالب کتابی از پاول زیمانسکی^{۱۷} تحت عنوان آرارات باستان: راهنمای مطالعات اورارتو که توسط انتشارات کاروان بوک دلمر^{۱۸} در سال ۱۹۹۸ میلادی در ایالات متحده به چاپ رسیده، تعدادی از پیشینه نزدیک به موضوع این پژوهش است که در دسترس بود. این پژوهش با تمرکز بر آثار پسااورارتویی و نگاهی تاریخی به نهشته‌های مذکور دارد.

بسطام، پیش‌زمینه جغرافیایی و تاریخی

بسطام، نام روستائی هست از بخش مرکزی شهرستان چاپاره در ۹ کیلومتری غرب شهر قره‌ضیالدین استان آذربایجان غربی واقع در شمال غربی ایران. در جنوب غربی این روستا محوطه تپه‌ای باستانی قرار گرفته که بروی آن، دژ اورارتویی واقع گردیده است. شکل ۱، طرحی بازسازی شده از قلعه و محوطه مسکونی را در قرن هفتم پ.م نشان می‌دهد. قلعه بسطام و به قول روسای دوم،^{۱۹} ru-sa-a-i URU.TUR شهر کوچک روسا (دارا، ۱۳۹۶: ۱۲۴) نیز عنوان قلعه‌ای اورارتویی با محوطه مسکونی متصل به آن است. این قلعه در قرن هفتم پ.م رونق کامل داشته است (کلایس، ۱۳۹۸: ۳). به نظر می‌رسد، سابقه سکونت در منطقه بسطام، به سال‌ها قبل از قرن هفتم پ.م بازگردد (Kroll, 1979: 99) اهمیت منطقه بسطام برای اورارتو مخصوصاً بعد از لشکرکشی ۷۱۴ پ.م سارگون دوم (Zimansky, 1990: 15) پادشاه قدرتمند آشور، و نیز به

^{۱۹} Rusas II

^{۲۰} Taurus

^{۲۱} Argishti II

^{۲۲} Deutschen Forschungsgemeinschaft

^{۱۴} Veli Sevin

^{۱۵} Oksijen Basim

^{۱۶} Matbaacılık San

^{۱۷} Paul Zimansky

^{۱۸} Caravan Books Delmar



شکل ۱: طرح بازسازی ساخته‌های قلعه و محوطه مسکونی قرن ۷ پ.م (کلایس، ۱۳۹۸: ۹۰)

دست رفته و گستره اورارتو بیشتر در آناتولی شرقی و اطراف دریاچه وان خلاصه می‌گردد به ترتیبی که آثاری از اواسط نیمه دوم قرن هفتم پ.م (Kroll, 2014: 203) که اورارتو دچار آشوب و تهاجم و به شدت مورد تخریب قرار می‌گیرد، از مکان‌های سنتی سکونت اورارتو در ایران، شواهد اندکی به جای مانده است این به آن معنی هست که بر اثر تهاجمات اخیر، حتی تغییر در بافت سکونت و اقوام ساکن مناطق نیز مشهود و محسوس است.

۳- نفوذ مادها

کاوش‌های بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۵ میلادی و گزارش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که حدود سال‌های بین ۶۰۵ تا ۵۹۰ پ.م بسطام که از مراکز مهم نظامی بوده است دچار تحولات و در واقع موجودیت و ماهیت قلعه، هدف حمله کنندگان و مهاجمان قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد منطقه مسکونی بسطام از سکنه خالی شده (کرویل، ۱۳۹۸: ۹۶) و همگی به داخل قلعه پناهنده گردیده باشند چرا که اثری از جنگ و ستیز در کاوش‌های باستان‌شناسی یافت نشده است و این احتمال را تقویت می‌کند که مردم رانده شده‌اند و یا قلعه بدون جنگ تسلیم، سپس غارت و به آتش کشیده شده است. بنابراین، قلعه در واپسین سال‌های قرن هفتم و اوایل قرن ششم پ.م خالی از سکنه بوده و پس از سقوط اورارتو در حدود سال ۵۹۰ پ.م به غیر از تالار،

۲- واپسین روزهای اورارتو و آخرین نهشته‌های بسطام

ساردوری سوم،^{۲۳} دهمین شاه اورارتو بعد از روسای دوم در حدود ۶۴۶ تا ۶۱۰ پ.م بر تخت پادشاهی اورارتو نشست. در این دوره شاهد تغییر محسوس در حکومت اورارتو هستیم که از سال‌های قبل شروع شده بوده است. به نظر می‌رسد که زمان افول اورارتو فرارسیده باشد چرا که نه تنها شواهدی دال بر اقتدار گذشته در گستره سرزمینی اورارتو وجود ندارد بلکه آثاری دال بر عدم کنترل سرزمین‌های اورارتو از سوی حکومت مرکزی و همچنان انقیاد آشور مشاهده می‌گردد. اقوام تازه وارد به منطقه اورارتو و آشوبی که به وجود آورده بودند نیز بر این بحران افزوده بود، ساردوری سوم نیز همانند پدرش، پیروزی اشوربانیپال^{۲۴} (۶۲۷-۶۶۹ پ.م) بر ایلام را که به تازگی از میان برداشته شده بود، را با ارسال سفیران، تبریک و مراتب تبعیت خود را به آشور اعلام می‌دارد. به دلیل حملات ماد به آشور و اغتشاشات موجود در حکومت آن، سال ۶۳۹ پ.م آخرین سالی هست که متون آشوری نامی از شاهان اورارتویی (سالوینی، ۱۳۹۸: ۱۳۷) را می‌برد و بعد از این تاریخ، اشاره‌ای گنگی در ذیل اتفاقات سال‌های ۶۰۸ و ۶۰۹ پ.م در گاه‌نگاری بابلی‌ها از اورارتو دیده می‌شود.

در چنین شرایطی پادشاهی، در حدود ۶۱۰ پ.م به روسای سوم (۶۱۰ تا حدود ۵۹۰ پ.م) می‌رسد. اورارتو واپسین ایام خود، در روزگار این شاه می‌گذراند بیشتر مناطق اورارتو از

^{۲۴} Ashurbanipal

^{۲۳} Sarduri III

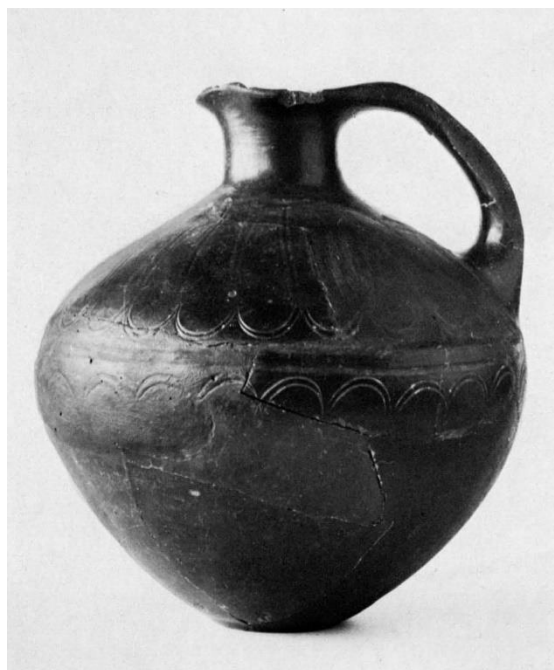
است. کف این قوری‌ها اغلب صاف و بعضاً مقعر است. یک قطعه قوری مانند سفالی بسیار زیبا از بسطام در بین سایر قطعات مکشوفه، خودنمایی می‌کند (شکل ۲). سفال‌های اورارتویی مکشوفه از قلعه بسطام را می‌توان با تقسیم‌بندی زیر طبقه‌بندی نمود:

- سفال‌های قهوه‌ای رنگ متمایل به خاکستری با کیفیت مناسب که انواع کاسه‌ها و بشقاب‌ها و کوزه‌ها و خمره‌های ذخیره بزرگ (عباس‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۳۸).
- سفال‌های قرمز براق که از مشخصه‌های شاخص اورارتویی بوده و در این قلعه یافت شده است. دارای خمیری قرمز یا قهوه‌ای رنگ و در مواردی لعاب قرمز و پخته شده در کوره. انواع کاسه دهان گشاد و بشقاب و کوزه از این نوع سفال کاوش شده است (Erdem & Konyar, 2011: 268).
- سفال‌های زرد یا صورتی رنگ که به نسبت سایر انواع سفال‌ها، دارای فراوانی بیشتری در قلعه بسطام می‌باشد. از این دسته سفال نیز انواع کاسه و خمره بزرگ کاوش گردیده است (عباس‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۳۹).
- سفال‌های نخودی رنگ، دسته دیگر سفال‌های اورارتویی بسطام را تشکیل می‌دهد که در بسطام وجود دارد. انواع کاسه و ظروف سفالی از این دسته کاوش شده است (عباس‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰).

دیگر مناطق قلعه خالی از سکنه بوده است. آثار و سازه‌های بعد از آتش‌سوزی و معماری و سنت فرهنگی حاکم بر سفالگری و نهشته‌های باقی مانده از دوران پسااورارتویی بسطام، نشانگر حضور مادها است. لذا می‌توان در نظر گرفت که اسکان در بسطام در دوره پس از اورارتو و بعد از سقوط، توسط مادها انجام گرفته است.

۴- نهشته‌های پسااورارتویی بسطام

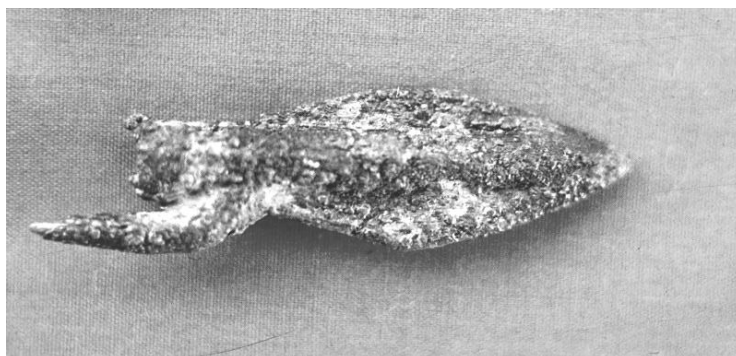
از شاخص‌ترین نشانه‌های فرهنگی و اجتماعی اورارتوها که اکنون در دسترس ما قرار گرفته است، صنعت سفالگری است که ویژگی‌های مخصوص به خود را دارد، این سفال‌ها به وفور در سایت‌های اورارتویی یافته می‌گردد، اما از حدود اواسط نیمه دوم قرن هفتم پ.م علاوه بر این نوع سفال‌ها، یافته‌های باستان‌شناسی، نشان می‌دهد سنت جدید سفالگری و سفال‌های با اشکال جدیدی وارد منطقه گردیده است. بارزترین مشخصه سفال‌های اورارتویی، که در سایت بسطام به وفور هم به چشم دیده می‌شود عبارت است از: کیفیت خاک رس، رنگ خاک رس، شکل سفال‌ها و کیفیت پردازش آنها. هر کدام از این مشخصه‌ها در نوع خود می‌تواند سنت و فرهنگ حاکم بر سفالگری در اورارتو را نسبت به سایر سنت‌های اقوام دیگر متمایز نماید. عواملی همچون نوع خاک رس مورد استفاده و هنر و فرهنگ و اعتقادات حاکم بر سفالگران بصورت قطع، تاثیر مستقیمی در خلق این آثار می‌تواند داشته باشد. انواع خرده سفال قهوه‌ای رنگ زمخت و زرد متمایل به قهوه‌ای و قطعات ظروف مختلف مشاهده می‌گردد (Kroll, 1979: 203-220). همچنانکه اشتفان کرول نیز بر این اعتقاد است که قوری‌ها اغلب زمخت و به رنگ زرد متمایل به قهوه‌ای



شکل ۲: سفال اورارتویی قرمز رنگ صیقل دار با نقوش تزئینی (Kroll, 1979; Tafel 58-1)

بنا به گزارش کرول، این سفال جزء سفال‌های باقی مانده از دوران پیش از آتش‌سوزی قلعه بسطام است (Kroll, 1979a; 204). در این محوطه همینطور انواع خمره‌ها، بشقاب‌ها، ظروف مینیاتوری و عطردان، پیاله و تنگ‌ها نیز یافت شده است که همگی از نظر تاریخگذاری، به اواخر قرن هفتم پ.م تعلق دارد. اما بررسی بیشتر این سنت جدید و تازه وارد به منطقه اورارتویی نشان می‌دهد که این سنت متعلق به مناطق جنوبی‌تر اورارتو است (Kroll, 2014: 205)، جایی که محوطه‌هایی مانند نوشیجان و گودین^۲ بوده (Stronach, 1978: 22) و ربطی به مناطق اورارتویی ندارد. همسانی سنت این نوع سفال‌ها با سفال‌های مکشوفه در بسطام به اثبات رسیده (Gopnik, 2011: 295) که باید گفت این سنت سفالگری دیگر اورارتویی نیست بلکه باید آن‌ها را مادی نام نهاد. پیدا شدن سر پیکان‌های دو پهلو

(Kroll, 2014: 205) برنزی غیر اورارتویی (شکل ۳) خیر از حضور نیروهای مهاجم داده و آثار اسکان بلافصل اورارتویی در اتاق‌های تالار موجود در این قلعه که به تحلیل باستان‌شناسان (کرول، ۱۳۹۸: ۱۱۱)، متعلق به دوره پسااورارتویی و ماد هست، حاکی از استفاده سکونتی غیر اورارتویی است. این شواهد به تنهایی می‌تواند محقق را در اشغال قلعه بسطام توسط اقوام ماد یا حداقل اقوامی که از مادها تاثیر مستقیم گرفته‌اند متقاعد نماید. زمانی این نظر جدی‌تر می‌شود که در محوطه‌های شمالی‌تر بسطام در خاک ارمنستان کنونی و سایر محوطه‌های شمال شرقی آناتولی شرقی نیز آثار پسااورارتویی کاوش شده در بسطام، در آن محوطه‌ها نیز مشاهده گردیده است که در پی به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.



شکل ۳: نمونه‌ای از سرپیکان مادی و سکایی کاوش شده در محوطه بسطام (Kroll, 1979; Tafel 51-4)

کاوش انتظار داشت. با این همه این بنا متعلق به اقوامی است که بلافاصله بعد از اقوام اورارتوها در بسطام مستقر گردیده‌اند. از این تالار و بنای مذکور آثاری یافت شده (شکل ۴) که با یافته‌های دیگر بناهای بسطام، متفاوت است (Kroll, 1979: 229-234). در بین این نوع یافته‌ها نیز، سفال‌ها در ارتباط با منابع تاریخی و تعلق آنها به اقوامی غیر اورارتویی، نشانه‌های مناسبتری را ارائه می‌دهند.

۱-۴- یافته‌های مادی در بسطام

در مجموعه بناهای بسطام، بنایی وجود دارد که بر اساس ویژگی‌ها و لایه‌نگاری انجام شده، بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۸ میلادی با تمام بناهای دیگر این محوطه متفاوت بوده است. این بنا تالار است که خود چندین اتاق را شامل می‌گردد. هرچند کاوش‌ها بعد از آن تاریخ تقریباً متوقف گردیده است و نتایج فراوانی می‌توان از بررسی و ادامه این



شکل ۴: جام دو دسته مادی کاوش شده در محوطه بسطام (Kroll, 1979; Tafel 58-2)

هرگز در متن کاوش اورارتویی ظاهر نشده است اما نکته مهم آن که این مواد در مناطق کاوش شده ماد مانند نوشیجان و گودین‌تپه (شکل ۵) به خوبی شناخته شده است (Stronach, 1967: 18).

همچنین، اشیاء یافت شده ضمن آن که استفاده از سفال‌های با اشکال متعلق به اورارتویی را بیان می‌کند در ضمن وجود ردیفی از شکل‌های جدید و خاص جلب توجه می‌کند این سفال‌ها انواع ظروف و کاسه‌های تخت با لبه قیفی و کاسه‌های ساده با دسته افقی هستند که هیچ یک از این مواد،



شکل ۵: سفال یافت شده از گودین تپه (Kroll, 2019: 40)

۵- سنجش با دیگر محوطه‌های پسااورارتوئی

۵-۱- کارمیر بلور^{۲۵}

این تاریخ ما را به سقوط کارمیر بلور در قبل از سقوط نینوا توسط اتحاد مادها رهنمون می‌کند، یعنی تقریباً زمان سرازیر شدن اقوام سکاها به غرب آسیا. آثاری از سکونت سکاها و بکارگیری فرهنگ و هنر سکایی در بعد از سقوط این دژ وجود دارد (Barnett & Watson, 1952: 136).



شکل ۶: سر پیکان‌های مکشوفه از کاوش‌های کارمیر بلور

(Barnett & Watson, 1952: 138)

تیشهباینی^{۲۶} نام منطقه باستانی واقع در کرانه‌های جنوبی رودخانه هرازدان^{۲۷} در پنج کیلومتری جنوب غربی ایروان، پایتخت کشور ارمنستان که امروزه کارمیر بلور نام گرفته، بوده و یکی از مهمترین شهرها و قلعه‌ها و در واقع شاهزاده‌نشین اورارتو بوده است (Barnett & Watson, 1952: 138). این محوطه به نظر می‌رسد، در حدود ۶۲۵ پ.م طی یک درگیری خونین سقوط کرده باشد و نهشته‌های مکشوفه مخصوصاً سر پیکان‌های به دست آمده (شکل ۶) از ابزارهایی بوده که به اقوام سکاها که برخی محققین اعتقاد به مادی بودن آن نیز دارند مشهور هستند.^{۲۸}

^{۲۸} برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: Simpson and Pankova,

2017: 14

^{۲۵} Karmir Blur

^{۲۶} Teishebaini

^{۲۷} Hrazdan

۵-۲-کاف کالاسی^{۲۹}

نیز زندگی نموده‌اند. لایه‌نگاری سایت‌های حفاری شده اورارتویی، چنین وضعیتی را نشان می‌دهد (Kalkan, 2011: 48) و زمانی که تپه‌ها را رها کرده‌اند، با یک روند رو به رشد فرهنگی جدید مواجه شده‌اند. سنت سفال‌های قرمز و قهوه‌ای با سطحی صیقلی کاملاً متوقف گشته و جای خود را به فرهنگ و سنت معماری جدیدی داده است (شکل‌های ۸ و ۹). چنین وضعیتی در محوطه‌های دیگر نیز حاکم می‌باشد. یافته‌های سفالینه قلعه وان، حاکی از سنت جدید حاکم بر این دوره است و برخی یافته‌ها مشابهت زیادی به یافته‌های بسطام پسااورارتویی دارد هرچند در قلعه وان زمان این آثار تا هخامنشی هم می‌رسد. در مرحله پسااورارتویی، تولید گل رس قرمز تحت تأثیر اورارتویی همچنان ادامه دارد، در حالی که تداوم جزئی در اشکال، مشاهده می‌شود (Kalkan, 2011: 49)، آثار معماری و بنایی در قلعه چاوش تپه و نقشه "U" شکل نمایانگر است که طرح و نقشه آن جدید و نشان از پسااورارتویی دارد. کف این بنا (قلعه چاوش تپه) مخلوطی از خاک و آب و ملات سفت شده و دیوارها از سنگ‌های نامنظم ردیف‌های تک یا دوتایی ساخته شده است که نشان از سنت معماری جدید دارد. از آثار دیگر می‌توان از گودال‌های ذخیره دانه‌ها، کنده شده در محوطه‌های باز، نام برد. این گودال‌ها در داخل بناها و تالارهای اماکن نیز همچون بسطام، دیده شده است که حاکی از سنت جدید است.

نام قلعه‌ای اورارتویی است در ساحل جنوب شرقی دریایچه و ۳۰ کیلومتری شهر وان و توشپا، مرکز حکومت باستانی اورارتو، در کشور ترکیه قرار دارد، این محوطه نیز در نیمه‌های سده هفتم پ.م بر اثر آتش‌سوزی و تخریب اقوام سکایی ویران شده در کاوش‌ها، سرپیکان‌هایی یافت شده (شکل ۷) که کاملاً شبیه همان سرپیکان‌های کاوش شده در بسطام می‌باشد که به سکاها و مادها مرتبط می‌دانند و زمان سقوط این قلعه را نیز همسان با قلعه‌های پیش گفته شده، به نیمه‌های قرن هفتم پ.م تاریخ‌گذاری می‌نمایند (Erdem, & Batmaz, 2008: 73).

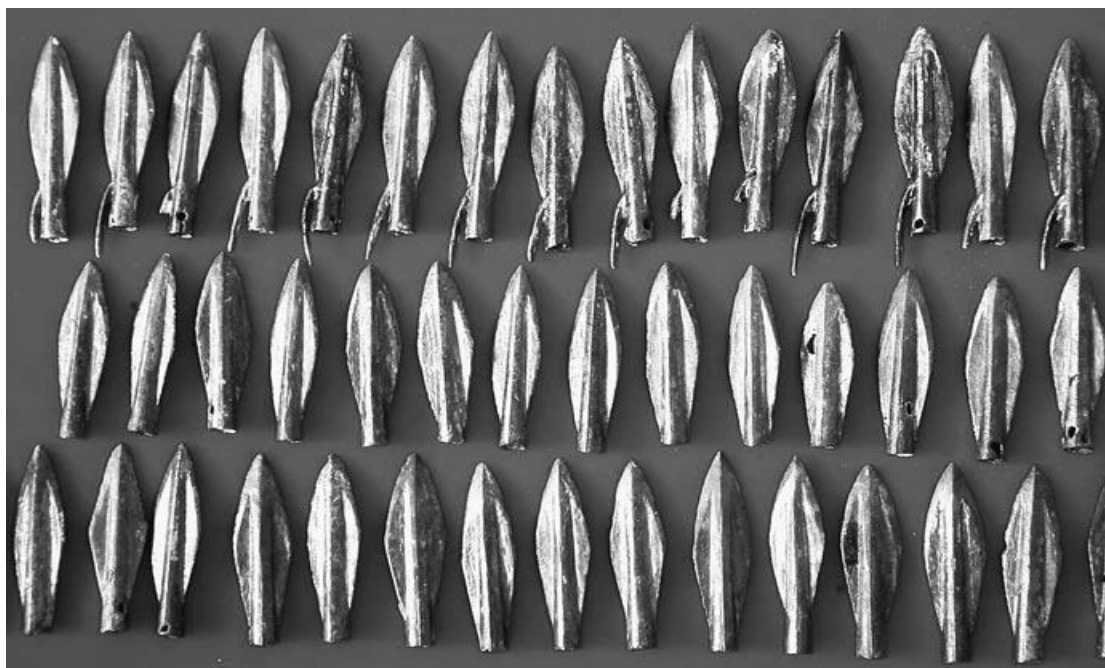
۵-۳-آیانیس^{۳۱}

در کاوش‌های گیرشمن در محوطه تپه سیلک در سالهای ۱۹۳۴ و ۱۹۳۷ اطلاعات زیادی ارائه داده شد و به نظر می‌رسد همین زیادی اطلاعات موجب عدم توجه کافی به سه ظرف سفالی کوچک (شکل‌های ۱۰ و ۱۱) معرفی شده در جلد دوم گزارش مربوطه گردید.

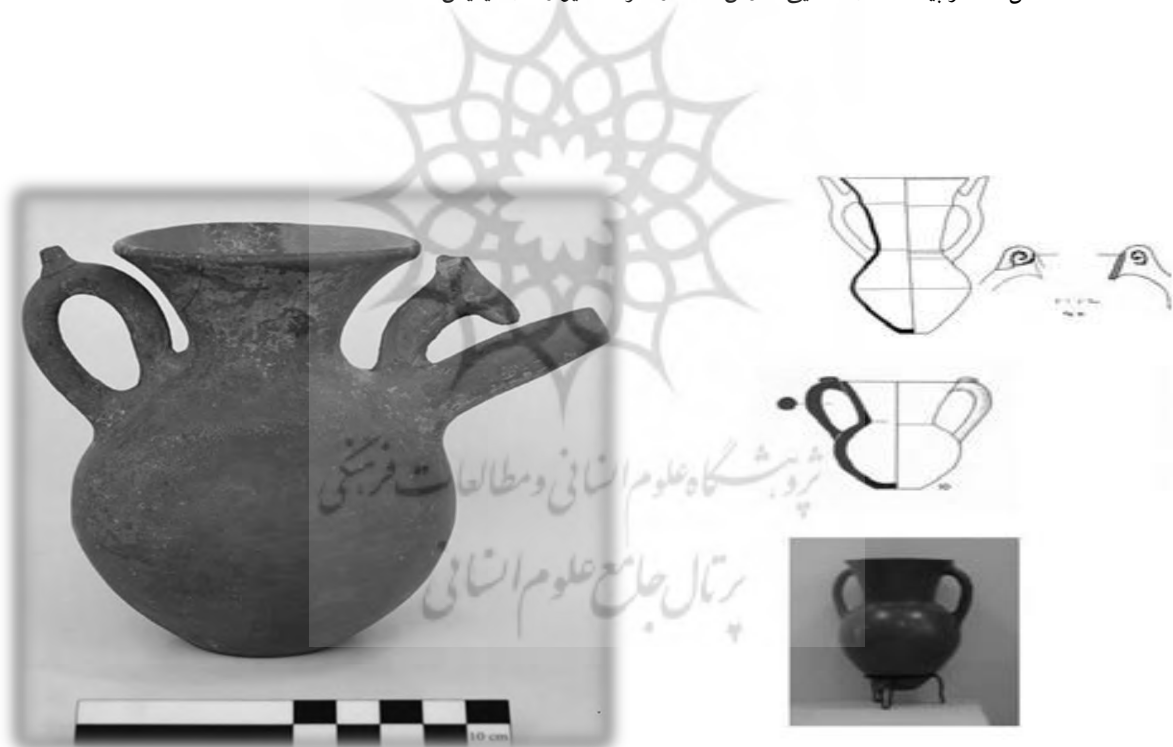
۵-۴-قلعه وان^{۳۲} و چاوش تپه^{۳۳}

بررسی‌های باستان‌شناسی این دوره نشانگر این هست که با ورود مادها به سرزمین‌های اورارتویی و سقوط دولت اورارتو، مردمانی که از وجود اقوام تازه‌وارد احساس امنیت نمی‌کردند، به مناطق مرتفع و بالای کوه‌ها پناه برده و مدتی

^{۲۹} Van^{۳۳} Çavuştepe^{۲۹} Kefkalesi^{۳۰} Zingun^{۳۱} Ayanis



شکل ۷: سر پیکان‌های سکایی کاوش شده از اطراف دیوارهای آیانیس (Erdem & Batmaz, 2008: 86)



شکل ۹: نمونه سفالهای مادی یافت شده در قلعه وان

(Konyar, 2012: 207)

شکل ۸: نمونه سفالهای یافت شده در قلعه وان

(Kolkan, 2011: 56)



شکل ۱۰: سه ظرف کوچک معرفی شده گیرشمن در سیلک کاشان (Kroll, 2019:110)



شکل ۱۱: ظرف دودسته دار مادی مکشوفه از سیلک کاشان (Kroll, 2019: 114)

در ساخت این سه ظرف یا کوزه سفالی، از همان فرهنگ و ساختاری استفاده شده که در ساخت سفال‌های پسااورارتویی بسطام (شکل ۴) و نیز در خرده‌سفال‌هایی مکشوفه از لایه‌نگاری محوطه اصطبل (در حدود بیست متری خارج قلعه)، به کار گرفته شده است. تعلق آن‌ها به دوران پسااورارتو و همچنین، به دوره ماد (Kroll, 2019: 38) مورد تأیید باستان‌شناسان از جمله کرتیس (Curtis, 2005: 40) و استروناخ (Stronach, 1978: 11) است. با مقایسه آثار مکشوفه در دیگر نقاط و محوطه‌های مادی، ضمن نشان دادن وسعت سرزمین ماد، در تعلق نهشته‌های پسااورارتویی بسطام به فرهنگ و سنت مادها شکی به جا نمی‌گذارد. فرهنگ و شیوه به کار گرفته شده در الغ‌تپه^{۳۴} و معماری آن کاملاً شبیه نوشیجان همدان، از محوطه‌های

^{۳۴} Ulug Depe

بناها را ساخته اقوام مهاجم و تسخیرکنندگان قلعه و اورارتو می‌دانند. به نظر، این سکونت‌گاه را اقوام ماد بعد از اشغال قلعه چاوش تپه احداث کرده‌اند. هر چند وجود اشیاء دیگری مانند سرنیزه یا میله‌ای پایه نمادین مذهبی وجود اورارتویی‌ها را محتمل می‌کند که در آن صورت می‌توان این احتمال را داد که در این نقطه اقوام اورارتویی بعد از سقوط حکومت، اجتماع و زندگی کرده باشند. با این همه، یافته‌های سفالین که در ساخت آن خبری از سنت اورارتویی نیست و وجود کاسه‌های با لایه نازک لعاب و لبه‌های گشاد و مسطح به شکل سینی از انواع سفال‌هایی هستند که در سنت اورارتویی دیده نشده است، بیان می‌کند که حتی در این مناطق نیز اقوام تازه وارد سکنی گزیده‌اند.

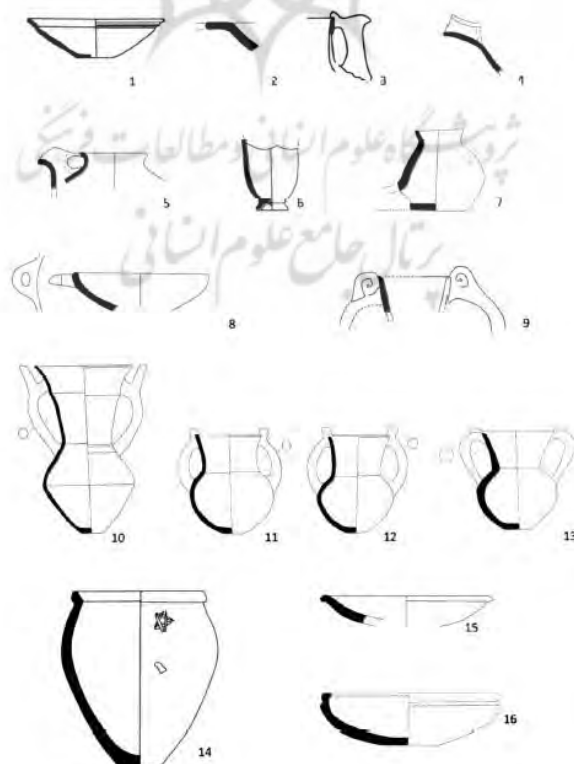
مطالعات لایه‌نگاری در قره‌گوندوز نشان از وجود یک لایه پسااورارتویی، بین سطوح بنای لایه شماره ۳ و لایه شماره ۴ دارد که در کاوش‌های ۱۹۹۵ میلادی کشف شده که دو مورد از آن‌ها تدفین داخل کوزه‌ای و یک گردنبند با مهره‌های سنگی با رنگ‌های مختلف کوچک است (Sevin, 2000: 360).

مادی، و آثار و سفالینه‌های مکشوفه از لایه‌های پسااورارتویی الغ تپه، متعلق به فرهنگ نوشیجان و سایر محوطه‌های مادی است.

هرچند پیدا شدن تیر و پیکان‌های متعلق به سکاها می‌تواند این نظر را تقویت کند که قلعه توسط ایشان سقوط کرده، اما مانع قبول این عقیده نیست که سکاها نیز در اواسط و اواخر قرن هفتم پ.م هم پیمان مادها شده بودند و یا بعد از سرکوب سران سکاها (Herodotus, I:103) توسط مادها، نیروها و لشکریان آن‌ها تحت فرمان مادها درآمده بودند.

تازه‌ترین کاوش‌های باستان‌شناسی در تپه باستانی قلعه وان از ۲۰۱۲ شروع گردیده است. در این قلعه نیز معماری جدیدی نسبت به سنت اورارتویی در بنا دیده می‌شود. از جمله آثار پسااورارتویی مکشوفه در چاوش تپه نیز ظرف سفالی (شکل‌های ۱۲ و ۱۳) با دسته عمودی و تزئین شده با طرح بزکوهی است (Konyar, 2012: 195).

در چاوش تپه آثاری از سکونتگاه جدیدی مشاهده می‌گردد که باستان‌شناسان بر اساس لایه‌نگاری، آن را به مردمان غیر اورارتویی منتسب نموده‌اند (Sevin, 2012: 358) و این



شکل ۱۲: نهشته های پسااورارتویی کاوش شده از چاوش تپه (Sevin, 2012; Resim 5)



شکل ۱۳: سفال دو دسته مادی کاوش شده از چاوش تپه (Sevin, 2012; Resim 4)

۶- تحلیل و نتیجه

لایه‌نگاری بسطام، مهمترین محوطه اورارتویی در ایران، و همین‌طور مقایسه با آثار یافت شده و پژوهش‌های مشابه در محوطه‌های اورارتویی شرق آناتولی نشانگر سقوط اورارتو در یک دوره زمانی حداقل ۳۰ ساله مختوم به ۵۸۵ پ.م توسط مادها بوده است.

عناصر جدید فرهنگی در بسطام و در محوطه‌های اورارتویی دیگر از جمله چاوش تپه و قلعه وان و کارمیریلور به‌وضوح حضور عناصر فرهنگی غرب ایران و مادها را تأیید می‌کند، هر چند برای این نظر دلایل محکم‌تری نیز لازم است. پیرامون دهه نهم قرن هفتم پ.م (حدود ۶۲۰ تا ۶۱۲ پ.م) زمانی که مادها به اوج قدرت خود قبل از تسخیر آشور رسیده بودند، اقدام به پیمان دوستی و نظامی با بابل کردند، این در حالی است که خبری از هم‌پیمانی یا اتحاد با اورارتو وجود نداشت. به نظر می‌رسد، در آن ایام، اورارتو قدرتی چشمگیر نداشته و در واقع، تهدیدی برای مادها محسوب نمی‌شده است. از دلایل دیگر عدم توجه مادها برای اتحاد

اواسط قرن هفتم پ.م برای فلات ایران و رشته‌کوه‌های زاگرس و دامنه‌های غربی آن و نیز شرق آناتولی، دورانی پرآشوب و نقطه عطفی برای این بخش از آسیا است. قدرت‌های بزرگ رو به افول هستند، حتی آشور که آخرین شاه مقتدر خود (آشوربانیپال) را تجربه می‌کرد، طولی نکشید که به دست اقوام تازه وارد ماد و با پشتیبانی بابل، چنان‌که کمتر از ۳۰ سال قبل‌تر، ایلام را از صحنه سیاسی آن دوران حذف کرده بود، خود نیز حذف گردید. از طرفی، پس از لشکرکشی ویرانگر سارگون دوم در اواخر قرن هشتم پ.م، هجوم اقوام ساکن شمال قفقاز در پی دستیابی به مراتع و منابع به جنوب قفقاز، موجب افول اقتدار اورارتو گردیده بود. در کتیبه‌های آشوری آمده است که اورارتو در دهه‌های آخر قرن هفتم پ.م، تحت اطاعت آشور بود. بررسی باستان‌شناسی آثار یافت شده و

عباس زاده، مرضیه، سودایی، بیتا، یوسفی زشک، روح‌الله (۱۴۰۰). طبقه‌بندی سفال‌های محوطه اورارتویی قلعه بسطام آذربایجان غربی. *باستان‌شناسی ایران*، ۱۱(۲)، ۱۳۵-۱۴۸.

کرول، اشتفان (۱۳۹۸). گزارش کاوش بسطام. ولفرام کلایس. *بسطام. کاوش‌ها در استحکامات اورارتویی ۱۹۷۲-۱۹۷۵ م.* ج ۱ از ۲ جلد. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی و موزه ملی ایران، ۹۵-۱۱۵.

کلایس، ولفرام (۱۳۹۸). معماری بسطام، ولفرام کلایس. *بسطام. کاوش‌ها در استحکامات اورارتویی ۱۹۷۲-۱۹۷۵ م.* ج ۱ از ۲ جلد. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی و موزه ملی ایران، ۳-۹۳.

Barnett. R. D. & Watson. W. (1952). *Russian excavations in Armenia. Iraq*, 14(2), 132-147.

Curtis. J. (2005). The Material, Culture of Tepe Nush-i Jan. *Iranica Antiqua*, 40.

Diakonoff, I. M. (1951). Poslednie gody Urartskogo gosudarstva po assirovavilonskim istočnikam. *VDI* (2), 29-39.

Erdem. A. & Batmaz. A. (2008). Contributions of the Ayanis Fortress to Iron Age Chronology. *Ancient near eastern studies*, 45, 65-84.

Erdem. A. & Konyar, E. (2011). *Urartian Pottery*, 1st Printing: Istanbul.

Herodotus. (1996). *Histories*. George Rawlinson. Wordsworth Classics of world literature, London, UK.

Kalkan. H. (2011). Doğu Anadolu'da Geç Demir Çağ: *Sorunlar ve Gözlemler*. Olba (19), 47-56.

Konyar, E., Can, A. V. C. I., Bülent, G. E. N. Ç., Akgün, R. G., & Armağan, T. A. N. (2013, January). Excavations at the Van Fortress, The Mound and the Old City of Van in 20121. In *Colloquium anaticum* (No. 12). Türk Eskiçağ Bilimleri Enstitüsü, 193-210.

با حکومت اورارتو، لشکرکشی‌های متعدد اورارتو به سرزمین‌های جنوبی خود است که بعدها جزء اتحاد ماد قرار گرفتند. مردمان این منطقه خاطرات غارتگری آن نظام را داشتند، ولی درباره بابل، چنین سابقه ذهنی وجود نداشت. از طرفی، اورارتو در موقع لشکرکشی مادها به آشور عملاً قدرتی قابل توجه محسوب نمی‌شد که مادها به موقع لشکرکشی به آشور نگران پشت سر خود و اورارتو باشند، چرا که در واقع، اورارتو در آن ایام اصولاً نیروی نظامی بازدارنده و نیرومندی نداشته و هر آنچه که بوده نزدیک پایتخت خود توشبا متمرکز بوده است. سقوط بدون جنگ و غارت و به آتش کشیدن بسطام که روزگاری به عنوان قلعه‌ای نظامی و با اهداف امنیتی تأسیس شده بود، توسط اقوام مهاجم (مادی و نیروهای مزدور سکایی) دلیلی بر این مدعاست. سقوط آشور به سال ۶۱۲ پ.م و ظهور و قد برافشاندن قدرتی تازه نفس به نام ماد و توجه مادها به غرب، می‌تواند توضیح دیگری برای این فرضیه باشد که به احتمال زیاد، سرزمین‌های اورارتویی شمال غربی ایران هم‌زمان با سقوط آشور، به دست مادها افتاده‌اند. آثار فرهنگی و مخصوصاً سفالگری و نهشته‌های پسااورارتویی در منطقه که در این مختصر شرحی از آنها رفت، بر این نظر صحه می‌گذارد.

منابع

دارا، مریم (۱۳۹۶). *کتیبه‌های میخی اورارتویی از ایران*. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

سالوینی، میریو (۱۳۹۸). الواح گلی اورارتویی. ولفرام کلایس. *بسطام. کاوش‌ها در استحکامات اورارتویی ۱۹۷۲-۱۹۷۵ م.* ج ۱ از ۲ جلد. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی و موزه ملی ایران، ۱۱۷-۱۴۲.

- Sayce. A. (1912). IV A New Vannic Inscription. *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain & Ireland*, 44(1), 107-112.
- Sevin. V. Özfirat. A. & Kavakil. E. (1997). Van-Karagündüz Höyüğü Kazıları. Yılı Çalışmaları. *Belleten*, 63(238), 847-868.
- Sevin. Veli. (2012). Van Bölgesinde Post-Urartu Dönemi: Yıkıntılar Üzerinde Yeni Bir Yaşam. *Belleten* 76(276), 351-368.
- Simpson. S. J. & Pankova. S. (2017). *The BP exhibition: Scythians: warriors of Ancient Siberia*. Thames & Hudson.
- Stronach. D. (1967). *Excavations at Tepe Nūsh-i Jān*.
- Stronach, R. (1978). Median pottery from the fallen floor in the fort. *Iran*, 16, 11-24.
- Zimansky. P. (1990). Urartian geography and Sargon's eighth campaign, *Journal of Near Eastern Studies*, (49-1), 1-21.
- Kroll. S. (1979a). Die urartäische Keramik aus Bastam, Bastam I: W. Kleiss. *Grabungsbericht Bastam I. Ausgrabungen in den Urartäischen Anlagen 1972-1975*. Teheraner Forschungen. Berlin. 203-220.
- Kroll. S. (1979b). Meder in Bastam, In W. Kleiss (ed.), *Grabungsbericht Bastam I. Ausgrabungen in den Urartäischen Anlagen 1972-1975*. Teheraner Forschungen, Berlin, 229-234.
- Kroll. S. (2014). Notes on the Post-Urartian (Median) Horizon: Aynur Özfirat NW-Iran and Armenia *Essays in Honour of Veli Sevin A Life Immersed in Archaeology*. İstanbul, 203-210.
- Kroll. S. (2019). A Note on the Late Iron Age Double-Handled Tankards from Sialk, In J. Nokandeh. J. Curtis and M. Pic (eds.), *Tappeh Sialk, the Glory of Ancient Kashan*. London Iran Heritage Foundation, (38-39), 110-113.





Payām-e Bāstānshenās
Islamic Azad University, Abhar Branch
Print ISSN: 2008-4285
Online ISSN: 2980-9886
Vol. 15, No. 28, Spring & Summer 2023



Revision of the Post-Urartian Deposits of Bastam Fortress

Mansour Hamdollahzadeh ¹ , Mehrdad Malekzadeh ² , Maryam Dara ³

DOI: 10.30495/peb.2023.704079

Abstract

Studies on the Urartu Civilization took a serious form from the beginning of the 19th century when Schulz was sent by the Asian Society around Lake Van. As a result of Schulz's discoveries and other studies, Urartu rose from silence for centuries. Decoding cuneiform lines helped researchers in other fields read Urartu inscriptions. Urartu research in Northwest Iran, with the discovery of an inscription related to the second rulers (680-646 BC) near the village of Bastam, located in the north of Lake Urmia, drew the attention of the Urartu research community to Iran. Archaeological excavations by Wolfram Kleiss started in 1967 and continued until 1978. The study of the post-Urartian deposits in the Bastam area and its comparison with the Urartian deposits in other Urartian sites, including eastern Anatolia, indicate the Urartian collapse from the time of the collapse of Assyria by the Medes, and even before that. The Urartian lands in Northwest Iran were occupied by the Medes at that time. The impact of the post-Urartian deposits found in the investigated sites is one of the objectives of this research. Historical, analytical, and descriptive methods were used for this research, and the information collection method was the library. Finally, based on the investigation of the post-Urartian deposits and historical analysis, it was concluded that the collapse of Urartu started in about 635 BC, and according to the cultural and architectural works found from Bastam and Sansem Along with other sites in eastern Anatolia, the eastern lands of Urartu were occupied by Medes and Iranian tribes.

Keywords: Urartu, Media, Post-Urartian Deposits, Bastam, the Collapse of Urartu.

* **Citation:** Hamdollahzadeh, M., Malekzadeh, M., Dara, M. (2023). Revision of the Post-Urartian Deposits of Bastam Fortress. *Payām-e Bāstānshenās*, 15(28), 85-100. (In Persian)

¹ Ph.D. Candidate in Pre-Islam History of Iran, Department of History and Archaeology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

² Assistant Professor, Iranian Centre for Archaeological Research, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran. Corresponding author: malekzadeh.mehrdad@gmail.com

³ Assistant Professor, Linguistics, Texts and Inscriptions Research Center, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran.